

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

استاد محمد نسیم «اسیر»
بن - المان، جولای ۱۹۸۷

پاسبان دزد

این شعر در گرماگرم جهاد و بدعت‌های خلق و پرچم
سروده شده است

یادم از ویرانی افغانستان آید همی
بس دلم آماجگاه درد های میهن است
در حریم کعبه آمال مردم، حسرتا
ادعای صلح کردن، خون مردم ریختن
چشم یاری از رژیم خانه ویرانکن خطاست
دوستی در دشمنی، یا دشمنی در دوستی
دست گلچین کرده تا آهنگ تاراج چمن
راستی میخواستی از کجروان هرگز خواه
حافظ ناموس مردم خود به قید ننگ نیست
دیو رنگ آدمیت می زند بر خویشتن
ما به رزم و جانسپاری امتحان ها داده ایم
ای فلک از شعله بازیهای ما حیرت مکن
خون جانبازان حق زیب بهار کشور است

از بساط درد های بی کران آید همی
قصه ای گر سر نمایم، داستان آید همی
مشرکان ره یافته، نا محرمان آید همی
از رژیم جنگ بنیاد زمان آید همی
مهربان گوید، مگر نا مهربان آید همی
شیوه وارونه زین بد خصلتان آید همی
شعله در خار و خس این بوستان آید همی
داستان حق ز جمع راستان آید همی
دزد بنگر در لباس پاسبان آید همی
گرگ وحشی در گذرگاه شبان آید همی
چرخ ما را از چه بهر امتحان آید همی
طفل این حشمت سرا آتش بجان آید همی
شوکت این بوستان از باستان آید همی

بیتو ای مام وطن گرچه «اسیرت» پیر شد
گر در آغوش تو بر گردد، جوان آید همی